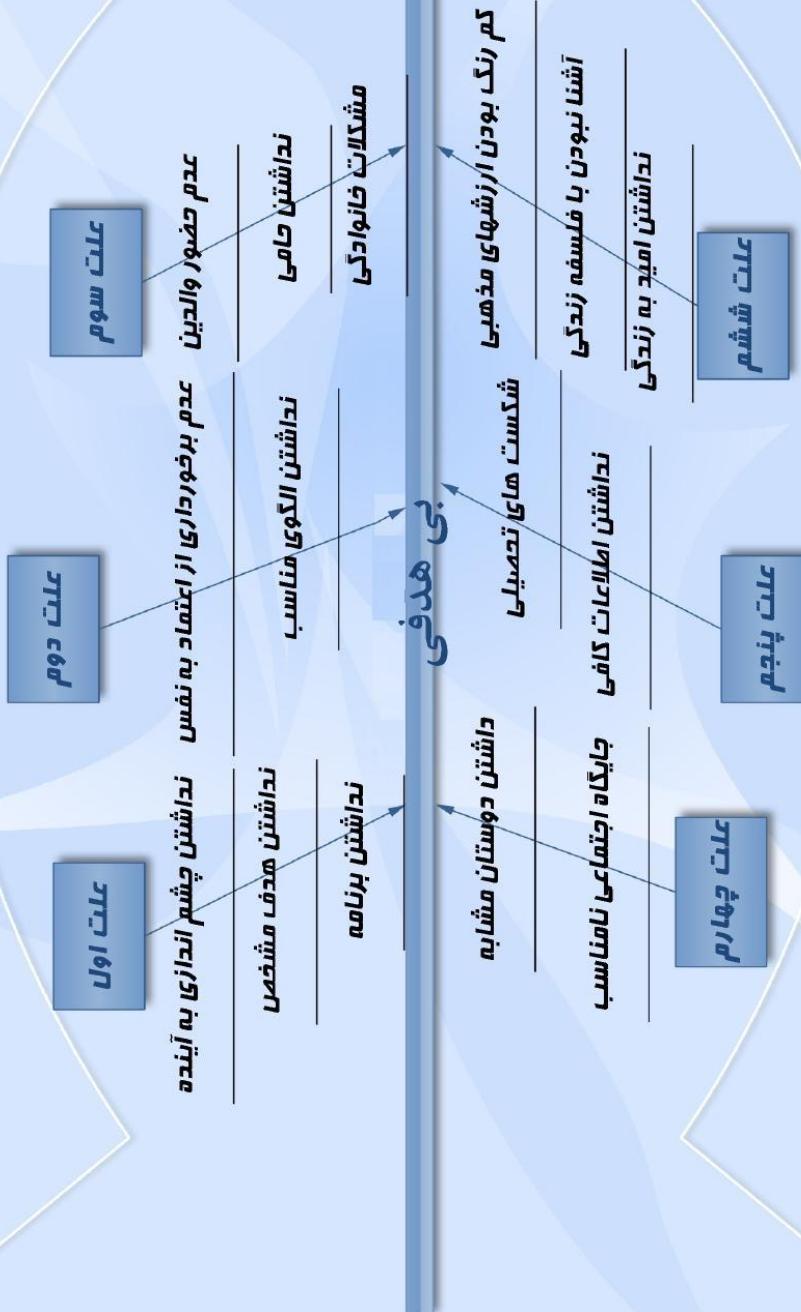
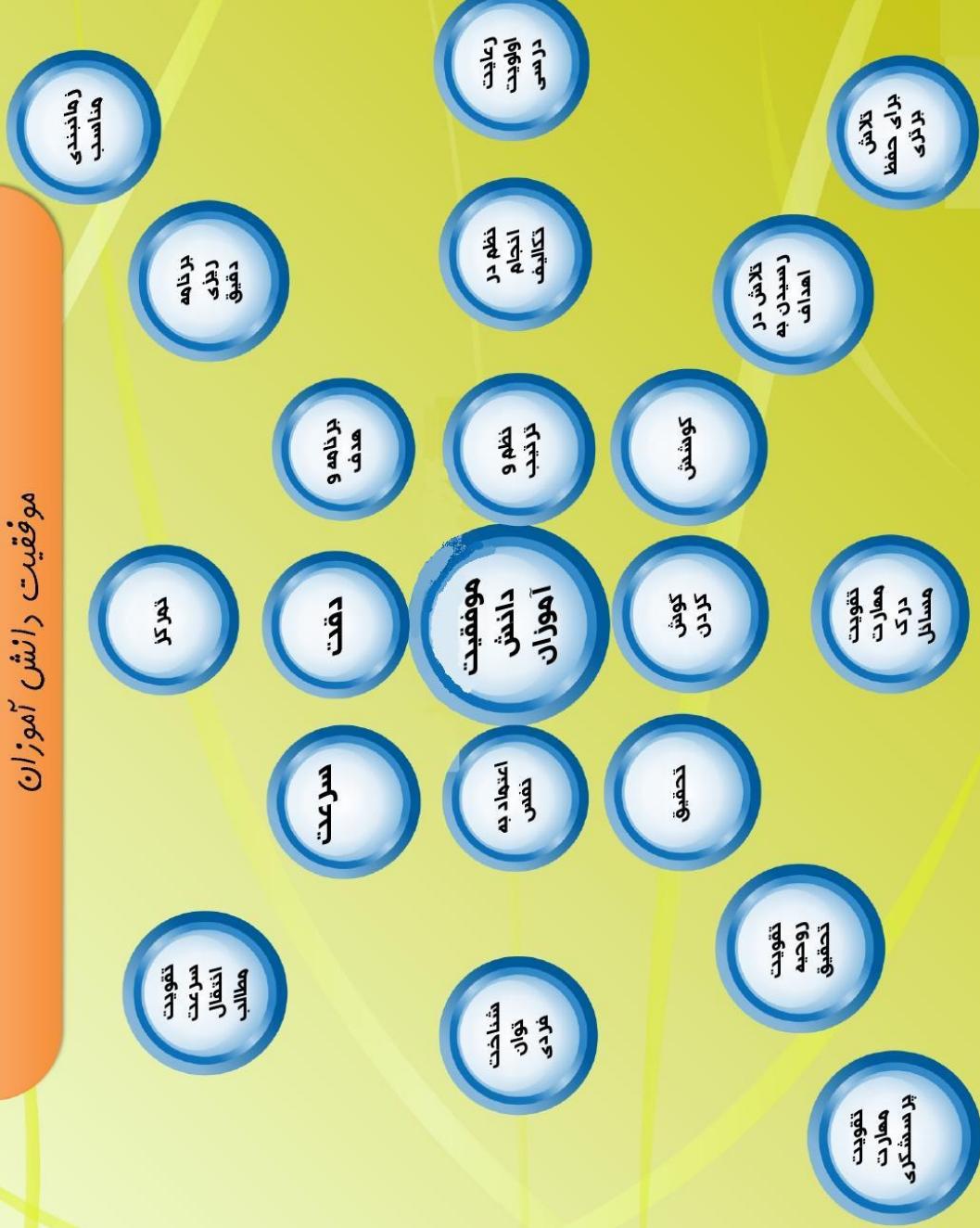


تکنیک خلاقیت نمودار استخوان ماهی بی هدفی - بی انگیزگی



تکنیک ملاقویت (شکوفه نیلوفر آبی)
موفقیت رانش آموزان



تکنیک خلافت ارزش تخیلی

فرض کنید با یکی از دوستانتان به مسافت رفته اید. در بین راه ماشین دوستان خراب شده و در جاده مانده است

حال به این موضوع فکر کنید و امکانات مختلف را در ذهن مرور کنید
موضوع اول اینکه قبل از سفر چه آمادگی های پیش بینی هایی لازم است که این مشکل برای ما پیش نیاید

مثلایک راه منطقی این کار سرویس ماشین و آماده کردن آن برای یک سفر خوب و راحت است
مثل کنترل کردن آب روغن ماشین و.....

حال اگر ماشین خراب شد چه باید کرد؟

شاید بهترین کار این باشد که افراد خانواده(بچه ها) به جای امنی منتقل شوند تا از سوانح احتمالی کنار جاده در امان باشند

با کمک امداد جاده ای ماشین را به تعمیر گاه نزدیکی منتقل کنیم.
عکس العمل همراهان به این اتفاق چه خواهد بود؟

به یقین در این طور سفر ها برنامه سفر تغییر خواهد کرد. و بخشی از برنامه سفر به تاخیر می افتد.
باعث ناراحتی بچه ها و اعضای خانواده می شود.

نتیجه این که برای داشتن سفری خوب و آرام بایداز قبل پیش بینی های لازم صورت گیرد.

تکنیک ابزاری برای اندیشیدن

فرض کنید فرصت ادامه‌ی تحصیل در کشور دیگری مهیا شده است:

مثبت:

ادامه تحصیل فی النفسه خوب است.

ارتقاع سطح علمی

ارتقای سطح شغلی

دسترسی به منابع جدید علمی

بر خورداری از امکانات خوب ارتباطی: مثل اینترنت

ایجاد شبکه‌های خوب کاری. حرفه‌ایی برای استفاده در آینده

منفی:

رها کردن شغل فعلی

از دست دادن در آمد

تحمل هزینه‌های فراوان وغیر قابل پیش‌بینی

دوری از خانواده

سختی شرایط زندگی جدید

مشکلات آموزشی و تحصیلی فرزندان در محیط جدید

دور شدن از فرهنگ ایرانی

جالب:

آشنایی با محیط جدید

تجربه‌ی زندگی در یک کشور

با فرهنگ و آداب و رسوم کشور مورد نظر آشنا شدن

بر خورداری از امکانات بهتر آموزشی برای ادامه تحصیل

تکنیک خلافت ایفای نقش

شاید مثال خوب این تکنیک بیان واقعه‌ای باشد که به مناسبتی شنیده‌ام.

روزی در اتوبوسی مردی به همراه چندین بچه‌ی قد و نیم قد نشسته بودند. مرد در سکوتی عمیق فرو رفته

بود و اصلاً به اطرافش توجه نداشت. بچه‌ها هیا هومی کردند و آرامش بقیه مسافران را سلب کرده بودند

یکی از مسافران که حوصله‌اش از سرو صدای بچه‌ها سر رفته بود ابتدا با خود اندیشید

عجب مرد بی فکری است! که هیچ تذکری به بچه‌ها نمی‌دهد و بسیار از دست او عصبانی شده بود.

پلاخره طاقت نیاورد و در کنار مرد نشست و با او هم کلام شد.

به او گفت: که بچه‌ها آرامش مردم را بر هم زده اند چرا او هیچ عکس العملی نشان نمی‌دهد؟

مرد که تازه به خود آمده بود گفت: واقیعت این است که این بچه‌ها ساعتی پیش مادرشان را در بیمارستان

از دست داده اند و من نمی‌دانم چطور باید این مطلب را به آنها بگویم و همچنین نمی‌دانم با این مصیبت

چه کنم؟ ... مرد که این سخن را شنید بلاfacله نظرش تغییر کرد و وقتی به موضوع از این زاویه نگاه

کرد نه تنها سرو صدای بچه‌ها آزار دهنده نبود بلکه حالا حس ترحم بقیه را نیز بر می‌انگیخت و همه به

نوعی می‌خواستند به آنها کمک کند و با آنها همدردی نمایند.

پس می‌بینیم که هنگامی که ما خودمان را به جای بیگری بگذاریم کلا نگاهمان به موضوع عوض می‌

شود و بهتر می‌توانیم شرایط را درک کنیم.

تهیه و تنظیم: سعیده عاقلتر